

نوشته: پل زاین (VEYNE)
پروفسور کالج دو فرانس (پاریس)
ترجمه: علیرضا کاویانی

سقوط امپراتوری رم

روزی که جهان به حیرت افتاد

در سال ۴۱۰ میلادی قبایل بربر گوتز شهر رم پایتخت افسانه‌ای امپراتوری روم غربی را به تصرف خود درآوردند و آن را غارت کردند. حادثه بسیار تکان دهنده و برای بسیاری باور نکردنی بود. مرکز یکی از پر قدرت ترین امپراتوریهای تاریخ جهان به مدت یک هفته تحت غارت، چپاول، قتل عام و تجاوز بربرهای ژرمن گوتز قرار گرفته بود.

مرکز گوتزها

با این حال رومیان حمله بربرهای گوتز به پایتخت خود را نه یک هجوم خارجی بلکه آشوبی داخلی می‌دانستند چرا که سران امپراتوری بیشتر این بربرها را در سرزمین‌های تحت نفوذ خود اسکان داده بودند و از آنان برای خدمت در ارتش و یا کشاورزی در زمین‌های بایر استفاده می‌کردند. قبایل گوتز در شمال رودخانه دانوب و در حوالی دریای سیاه و در مناطقی بین بخارست و سباستوپل (روسیه) ساکن بودند. رومیها هیچگاه به آنان اجازه ورود به سرزمین‌های امپراتوری را نمی‌دادند. گوتزها در سال ۳۷۸ در تلاش برای ورود به روم رو در روی ارتش قدرتمند این امپراتوری قرار گرفتند و در نبردی خونین یکی از سخت‌ترین شکست‌های تاریخ خود را متحمل شدند.

مزدوران نظامی

در سال ۳۹۵ میلادی بربرهای گوتز به فرماندهی آلاریس (ALARIC) که ۳۰ هزار تن از آنان را بسیج کرده بود به همراه زنان و فرزندان خود به سوی استانهای مرزی امپراتوری روم سرازیر و موفق به نفوذ در این مناطق شدند. امپراتوری روم

با کم‌اهمیت شمردن این رویداد آنان را به عنوان مزدوران نظامی به خدمت گرفت. آرکاد یوس (ARCA-DIUS) امپراتور روم غربی در سال ۳۹۸ شخصاً گوتزها را به ارتش فراخواند و آلاریس را به عنوان فرمانده یکی از واحدهای نظامی ارتش روم در منطقه بالکان منصوب کرد. مناطقی که مورد منازعه روم شرقی و غربی بود.

این رویداد حس جاه‌طلبی فرمانده بربرهای گوتز را برانگیخت و سودای فرمانروایی بر تمام امپراتوری روم غربی را در آلاریس تقویت کرد.

چنین سودایی چندان هم غیرممکن به نظر نمی‌رسید. دولت مرکزی روم در آن هنگام از مشکلات داخلی رنج می‌برد و امپراتور هونوریوس در شهر دیگری به جای روم به عنوان پایتخت مستقر شده بود و آستیلیسون فرمانده کل ارتش امپراتوری قدرت واقعی را در روم در دست داشت و هم‌اوست که سخت‌ترین دشمن آلاریس محسوب می‌شد. برخی بر این اعتقادند که فرمانده بربرهای گوتز شخصیت آستیلیسون را الگو قرار داده بود و در حقیقت مایل بود با قدرت بی‌مانند وی در امپراتوری هم‌اوردی کند.

در دروازه شهر رم

آلاریس و هزاران تن از بربرهای گوتز که وی را پادشاه خود می‌خواندند به راحتی خود را به دروازه‌های شهر رم رساندند و پایتخت دست نیافتنی رومیها را در سال ۴۰۸ میلادی به محاصره خود درآوردند. محاصره رم دو سال ادامه یافت و قحطی و بیماری بر این شهر سایه افکند

و مدافعان شهر را از پای درآورد. در چنین شرایطی امپراتور هونوریوس که در شهر راون و در پناه سپاهیان وفادار به خود مستقر بود حفظ تاج و تخت خود را بر دفاع از رم ترجیح داده بود و در برابر تضمین ادامه حکمرانی خود، ورود بربرهای گوتز را به رم پذیرفت.

ورود به رم

در تاریخ ۲۴ اوت سال ۴۱۰ دروازه‌های شهر یک میلیون نفری رم به روی آلاریس و سپاهیان وی گشوده شد و شهری که آوازه آن در چهار سوی جهان طنین‌انداز بود به تصرف ارتش بربرهای گوتز درآمد. سپاهیان آلاریس که با شهری بی‌دفاع روبرو شده بودند از هیچ جنایتی در رم فروگذار نکردند.

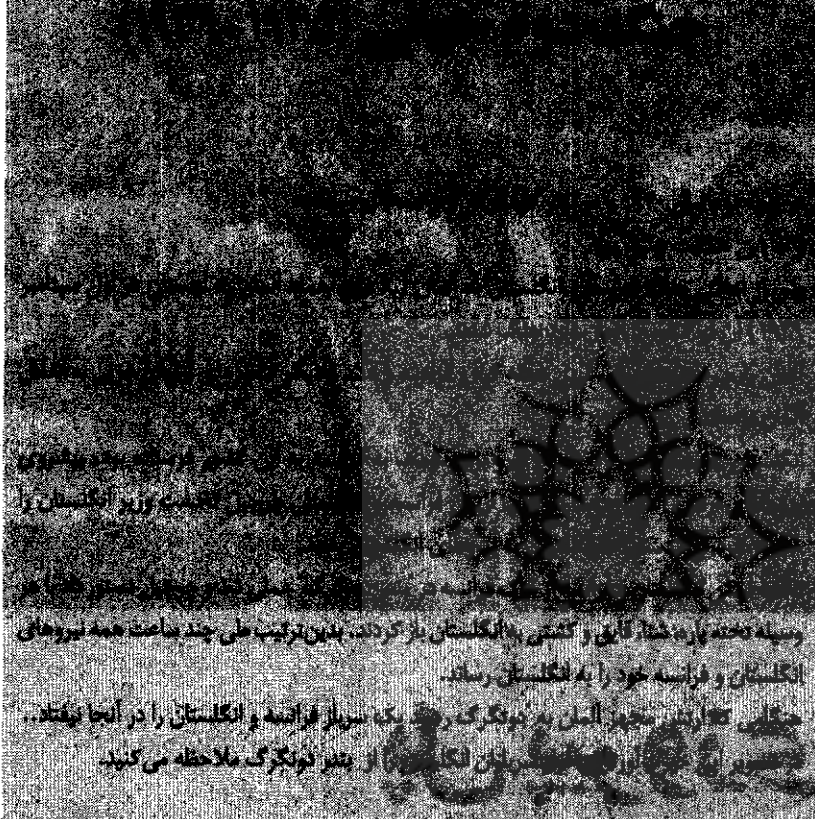
به نوشته بسیاری از مورخان بسیاری از مردان در برابر دیدگان اعضای خانواده خود کشته شدند و چه بسیار دخترانی که در آغوش مادرانشان هتک حرمت شدند. بربرهای گوتز با آنکه ظاهراً مسیحی بودند اما به حریم کلیساها نیز تجاوز کردند و به آزار راهبه‌های مقیم اماکن مذهبی پرداختند و حتی بسیاری از آنان را نیز به بردگی و اسارت گرفتند.

سقوط رم

خبر سقوط رم و غارت و تاراج شهر به سرعت در تمام قلمرو امپراتوری روم منتشر شد و موجی از حیرت، ناباوری و تعجب در میان رومیها برانگیخت. بسیاری از شهروندان روم در شوک ناشی از سقوط پایتخت افسانه‌ای شان به نوحه‌سرایی پرداختند. سنت رزوم از نویسندگان بزرگ مسیحی آن زمان نوشت: درخشانیترین چراغ

شکست از کلویس

امپراتوری روم در مقابل امپراتوری انگلستان



روشنی بخش زمین خاموش شده است و تمام جهان از این حادثه داغدار است.
با این همه فتح رم برای فاتحان آن تقریباً هیچ ارمغانی نداشت.

آلاریس که سودای ادامه پیروزیهای خود را در سر داشت اندکی پس از تصرف رم درگذشت و جانشینان وی نتوانستند امتیاز دیگری از دربار امپراتوری بگیرند.

شکست از کلویس

بربرهای گوتز به تدریج به دیگر نقاط امپراتوری روم در مناطق اسپانیا و فرانسه کوچاند شدند تا اینکه در نهایت در سال ۵۰۶ میلادی در نبرد با کلویس یا پدر فرانسه امروز شکست خورده و کاملاً منقرض شدند. (کلویس کاتولیک بود و تاج امپراتوری را با اجازه پاپ بر سر نهاده بود)

از سوی دیگر حادثه سقوط پایتخت امپراتوری روم غربی به دست ارتش کوچک بربرهای گوتز تلاطمی عمیق در عرصه تفکر و اندیشه رومیان برانگیخت. رومیها که به تازگی به مسیحیت گرویده بودند با این پرسش روبرو بودند که چرا پس از تمسک به این مذهب نوین چنین فاجعهای را متحمل شدند و چگونه حتی حریم مقدس کلیساها هتک حرمت شد و به مکان قتل و تجاوز و زندانی کردن دهها هزار تن از مومنان مسیحی بدل شد؟

شهر خدا

در پاسخ به پرسش های یادشده "سنت اگوستین" کشیش و متفکر صاحب نام نظرات خود را در تشریح وضعیت سیاسی عصر خود و زودودن زنگارهای شک و تردید از دامان مسیحیت به رشته تحریر درآورد و اثری جاویدان در ساحت اندیشه و تفکر بشریت رقم زد.

کتاب "شهر خدا" را شاید بتوان اثری شگرف دانست که نه تنها نام مولف خود را با تاریخ تفکر سیاسی جهان پیوند زد بلکه تأثیراتی عمیق بر مسیحیت و ۱۵ قرن حیات آن پس از دوران آسقف اوستین بر جای گذاشت. اهمیت این کتاب بدان حد است که انتشار آن را مهم ترین و موثرترین دستاورد حادثه تلخ تاریخی سقوط رم در ماه اوت سال ۴۱۰ میلادی می دانند.